

در آغاز	
صدها خاطره	
هنوز ناگفته مانده است	
 سرتیپ دوم خلیان احمد مهرنیا	
 مؤلف مجموعه «ستاره‌های نبرد هوایی»)	
برای گردآوری زندگی‌نامه شهدای نیروی هوایی، منبع اصلی خود را پرونده‌های خاص آنها در معاونت عملیات نیروی هوایی قرار داده‌ام؛ برای هر خلبان یک پرونده وجود دارد که به دلیل جلد آبی آن، به «پرونده جلدآبی» شهرت دارد و حاوی جزئیات مربوط به فعالیت‌های عملیاتی آنان است. برای گردآوری خاطرات، اگر امکان دسترسی به خانواده و دوستان و آشنایان شان وجود داشت، به آنها مراجعه کردم. برای آن دسته از شهدایی که دیگران از آنها خاطره نداشتند اما خودم آنها را می‌شناختم، خاطراتی را که با آنها تجربه کرده بودم، در این مجموعه آوردم. تمام خلبان‌هایی که خاطرات‌شان در این کتاب آمده، شهید شده‌اند. در هر جلد از این مجموعه، از مجموع تقریباً ۵۰ خلبان، حدود پنج‌شش نفرشان شهید هستند. خاطرات خلبانانی که همچنان در قید حیات هستند هم در این کتاب وجود دارد؛ همچنین خلبانانی که از دنیا رفته‌اند یا آن‌هایی که به دلایلی در میانه جنگ از خدمت اخراج شدند، به عبارتی، همه خلبان‌هایی که در کتاب صفحه دارند، در نیروی هوایی خدمت کرده و در جنگ تحمیلی هشت‌ساله حضور داشته‌اند. در چهار جلد اول، که خاطرات کمی فشرده‌تر است، هر جلد شامل ۵۰ خلبان است که مجموعاً ۲۰۰ نفر می‌شود. جلد پنجم خاطرات ۴۰ خلبان را در بر می‌گیرد؛ بنابراین تا اینجا مجموعه به ۲۴۰ خلبان رسیده‌ایم. جلد ششم فعلاً در حال آماده‌سازی است و هنوز نمی‌دانیم با چند نفر به پایان خواهد رسید. تلاش ما این است که باقی‌مانده افراد را نیز در آن جلد جای دهیم تا پروژه تکمیل شود. خلبانان بسیاری باقی مانده‌اند که خاطرات‌شان ثبت نشده است. حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از خلبانان هستند که به دلیل شرایط و وضعیت اقتصادی نامناسب و بی‌توجهی و بی‌مهری‌هایی که به آنان شده، تمایلی به ثبت خاطرات خود ندارند. برای ثبت و ضبط خاطرات و دستیابی به زندگینامه افراد، نیاز به همکاری خلبانان وجود دارد. افرادی هستند که ۹۵ درصد ثبت خاطرات‌شان انجام شده بود اما اکنون درحالی‌که فقط مطالب جزئی باقی مانده، ناگهان اعلام می‌کنند که تمایل ندارند نام و خاطرات‌شان در کتاب باشد حتی اگر ما یک عکس یا اطلاعات جزئی از آنها بخواهیم. با حدود بیش از ۱۰۰۰ نفر از خلبانان در ارتباط هستم و آنها از وجود مجموعه «ستاره‌های نبرد هوایی» مطلع هستند اما تعدادی از آنها به دلایل شخصی علاقه‌ای به همکاری ندارند. این موضوع اتمام این کتاب را با همان استانداردها و تعداد مورد نظر برای من دشوار کرده است. البته از آنجایی که نام بخش عمده‌ای از خلبانان دوران جنگ تحمیلی در خاطرات دیگران آمده است، در آینده محققان می‌توانند با جستجوی آن‌ها، اسامی سایر خلبانان را نیز استخراج کنند. ثبت و ضبط خاطرات جنگ تحمیلی را به عنوان رسالت خود در نظر گرفته‌ام. در حال حاضر، کتاب دیگری در دست نگارش دارم که مربوط به «بیست و چهار ساعت نخست جنگ تحمیلی» است. با توجه به اسناد، مدارک و اطلاعاتی که برای نگارش این کتاب از دوستان جمع‌آوری کرده‌ام، احتمالاً به یک اثر بسیار جذاب تبدیل خواهد شد. حدود ۶۰ درصد این کتاب آماده است اما همچنان به بررسی، تحقیق و تکمیل نهایی نیاز دارم.	
پی‌نوشت:	
سرتیپ دوم خلیان احمد مهرنیا از شمار خلبانانی است که در جنگ تحمیلی هشت‌ساله، برای دفاع از حریم وطن، ماموریت‌های هوایی متعددی انجام داده است. مهرنیا پس از پایان جنگ تحمیلی و به‌اتمام‌رساندن دوران خدمت در نیروی هوایی، به گردآوری خاطرات هم‌زمان خلبان خود مشغول شد. او کتاب‌هایی چون «حمله هوایی به الولید»، «خلبان وارسته»، «بزد در اسارت»، «بال‌های شکسته من» و مجموعه «ستاره‌های نبرد هوایی» را تألیف کرده است. «ستاره‌های نبرد هوایی» مجموعه‌ای ۶ جلدی است که به مرور خاطرات خلبانان دوران جنگ تحمیلی می‌پردازد. اولین جلد این مجموعه در سال ۱۳۹۱ انتشار یافت و در حال حاضر، جلد ششم و آخرین جلد آن در دست تألیف است.	

شیرین زارع‌پور، نویسنده ادبیات پایداری، از آثار در دست انتشار و نگارش خود خبر داد و گفت: کتابی اکنون در دست انتشار دارم با عنوان «روایت مرزیه» خرده‌روایت‌هایی از زندگی «مرزیه دیباغ» است براساس روایت حدود ۹۰ راوی نوشته شده. در حال حاضر نیز چند اثر در دست نگارش دارم. یکی از آنها کتاب شهید حمید قلنئیر است که به سفارش «مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس» انجام شده است. شهید قلنئیر

 محمده شجاعی	
 خبرنگار	
جرقه چاپ کتاب «مرا پیدا کن» از یک پرسش زده شد: سؤال محمدابراهیم از مامان فاطمه: «وقتی محمدابراهیم به من گفت: «مامان چرا رفتی؟ بابا می‌که زندگی توحیدی برای تو سخت بوده که من و بابا رو رها کردی و رفتی!» و سرش را روی سینه من گذاشت و به شانه من ضربه زد.»	

این سؤال بی‌پاسخ، آغاز داستانی است که نویسنده معصومه رامهریزی و راوی آن را در قالب کتاب ثبت کردند تا زندگی‌ای سخت اما پرامید را به مخاطب نشان دهند.

جسارت روایت و نوشتن

نشست ما میزبان دو بانو بود که یک کتاب، مسیر زندگی‌شان را دوباره به هم پیوند زده بود. معصومه رامهریزی، نویسنده نام‌آشنای ادبیات پایداری، در کنار مژگان بیتانه، راوی کتاب «مرا پیداکن»، نشستند تا از تجربه خلق این اثر متفاوت بگویند؛ کتابی که نه‌تنها روایت زندگی یک زن است، بلکه سفری به رزفای باورها و ایمان انسان معاصر محسوب می‌شود. اولین سؤال درباره جسارت بیان موضوع توسط راوی و جسارت نوشتن از جانب نویسنده مطرح شد؛ چه‌چیزی باعث شد نویسنده، که در دوران دبیرستان معلم راوی بوده، مشتاق روایت‌کردن شود؟

نظرسراة «مرا پیداکن»: نماد تاب‌آوری مادرانه

کتاب «مرا پیداکن»، نوشته معصومه رامهریزی، نویسنده شناخته‌شده ادبیات پایداری، بیش از یک زندگینامه ساده است؛ این اثر، واکاوی عمیقی است در فرازوفرودهای زندگی مژگان بیتانه، زنی از نسل تحصیل‌کردگان و معتقدین دهه هفتاد شمسی، که در کانون یک طوفان اعتقادی و عاطفی قرار می‌گیرد. این کتاب، که با راستگویی بی‌پرده و تحلیل روانشناختی نگاه‌شده، صدای زنی است که برای حفظ ایمان و هویت مادری‌اش، در برابر سرنوشت‌ایستادگی می‌کند.

جرقه و انگیزه نگارش: پرسش یک فرزند

نقطه آغاز و نیروی محرکه برای خلق این اثر، سؤالی است که از قلب یک مادر می‌جوشد. «محمدابراهیم»، فرزند مژگان بیتانه، با سؤالی ساده و در عین حال کوبنده، مادرش را به نگارش روایت‌زندگی دشوارش ترغیب می‌کندومژگان رابرآن می‌داردتاحقیقت‌پنهان‌شده درپس سال‌ها سکوت را افشا کند. او می‌نویسد تاروژی که فرزندش به بلوغ فکری می‌رسد، بداند مادرش از سرِ ضعف‌رفته است، بلکه برای حفظ اصالت خود، نبردی سخت و اغلب پنهان را پشت‌سرگذاشته.

پیشنهاده ویژه

 زینب‌گل محمدی	
 نویسنده و خبرنگار	
استکبار جهانی را شکست، بلکه به نمادی ضد امپریالیستی در ادبیات سیاسی و فرهنگی ایران تبدیل شد. این رویداد، که در ادبیات غربی «بحران گروگان‌گیری» نامیده می‌شود، موجی از تولیدات ادبی، تاریخی و مستند را به دنبال داشت. اسناد به‌دست‌آمده از سفارت، بستری برای ده‌ها پژوهش و نگارش فراهم کرد و بر گونه‌های خاطرات تا تحلیل سیاسی و حتی رمان داستانی تأثیر گذاشت. تا امروز، صدها کتاب در این زمینه منتشر شده که عمدتاً بر پیش‌زمینه‌ها، پیامدها و اسناد تمرکز دارند. مهم‌ترین تأثیر، انتشار مجموعه اسناد لانه جاسوسی بود؛ مجموعه‌ای ۱۱ جلدی (و در برخی نسخه‌ها تا ۷۷ جلد). این اسناد، مدارک محرمانه CIA و سیاست‌های آمریکا علیه ایران را افشا کرد و به «انقلاب دوم» تعبیر شد. انتشار آنها در اوایل دهه ۶۰، موجی از کتاب‌های تحلیلی را ایجاد کرد. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی نیز نسخه‌های متعددی منتشر کرد که نقش آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد و حمایت از پهلوی را برجسته می‌سازد. این مجموعه نه تنها سند تاریخی، بلکه منبع الهام ادبی شد و نویسندگان را به بازخوانی هویت انقلابی واداشت. ژانر خاطرات، پربارترین حوزه تأثیر است. «تسخیر لانه جاسوسی» نوشته سید محمد هاشم پوریزدان پرست، یکی از دانشجویان پیرو خط امام، با ۲۶۰ صفحه، پیش‌زمینه‌ها و لحظات تسخیر را روایت می‌کند. معصومه ابتکار در «تسخیر»، ماجراهای ناگفته را با زبانی روان بیان کرده و شبهات غربی را رد می‌کند. کتاب «روز خدا» نیز نخستین روزهای تسخیر را از زبان یکی از شرکت‌کنندگان ثبت کرده و زمینه‌های نفوذ آمریکا را واکاوی می‌کند. این آثار، ادبیات شفاهی انقلاب را غنی ساختند و نسل جوان را با روحیه دانشجویان آشنا کردند. کتاب‌های تحلیلی مانند «انقلاب دوم»، آثار و پیامدهای داخلی و خارجی تسخیر را بررسی می‌کند و آن را «شکست هیمنه آمریکا» می‌داند. «ایستگاه خیابان روزولت» (۱۴۰۲) روایتی مستند از اسناد است که رهبر انقلاب بر آن ترقیظ نوشتند. در حوزه داستانی، «گروگان‌گرفتگی» رمانی از نوید ظریف‌ریمی است که حوادث را به صورت تبدیل انگیزی بازسازی کرده. این تنوع، از تاریخ‌نگاری تا داستان‌سرایی، نشان دهنده عمق تأثیر بر ادبیات معاصر است. در ادامه، هشت عنوان کتاب خواندنی درباره ماجرای تسخیر لانه جاسوسی را برای پیشنهاد در نظر گرفته‌ایم. خواندن این آثار می‌تواند نگاه ما به این رخداد بزرگ انقلاب اسلامی را تکمیل کند.	
۱ ایستگاه خیابان روزولت / محمد محبوبی	

کتاب «ایستگاه خیابان روزولت» نوشته محمد محبوبی، روایتی جذاب، مستند و در عین حال دلنشین از ماجرای تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در

از ۱۵ سالگی وارد مبارزه شد و در سال ۱۳۶۱ در کرمان توسط منافقین به شهادت رسید. در مدت شش سال، کارهای بسیار بزرگ و اثرگذاری انجام داد. برای نمونه، در اوایل انقلاب در سیستان و بلوچستان همان نقشی را ایفا کرد که حاج قاسم در کرمان داشت؛ یعنی مقابله با اشرا‌ر و جریان‌های چپ و مارکسیستی. او افزود: شهید قلنئیر به‌گونه‌ای عمل کرد که حتی اشرا‌ر منطقه

خانم رامهریزی پاسخ داد: «همیشه معلم و مربی بودم و چون نیت تربیتی داشتم، مژگان را متفاوت دیدم و این تفاوت باید برای دخترانی که می‌خواهند ازدواج کنند و زنانی که شرایط آن‌زمان را داشتند، دیده می‌شد.» وی افزود: «با روایت زندگی او می‌خواهم به مخاطب نشان دهم که می‌توان با سرنوشت و اتفاقات سخت، سالم زندگی کرد و دوباره قوی‌تر ادامه داد. تجربیات مژگان می‌تواند به زندگی دیگران کمک کند.» مژگان بیتانه نیز درباره علت روایت خود گفت: «من ازدواج کردم تا مادرش‌دن را تجربه کنم، هدفم عروسی شدن نبود. زندگی را ادامه دادم چون مادر بودم. بسیرم را از من گرفتند اما من مادرم. یک‌بار محمدابراهیم گفت: «مامان چرا رفتی؟ بابا می‌گوید زندگی توحیدی برای تو سخت بوده که ما را رها کردی!» و سرش را روی سینه من گذاشت و ضربه‌ای زد؛ یادآوری این کلامه جرقه‌ای ایجاد کرد که متوجه شدم هیچ‌کس از زندگی و سختی‌های

ویرینی که از زندگی‌ام نشان داده بودم، نبوده.»
معلمی که روایت‌گر دانش‌آموزش شد
معصومه رامهریزی با اشاره به صمیمیت رابطه معلم و شاگرد ابراز داشت: «رابطه ما دوستانه بود، معلم و شاگردی نبود. مژگان در مدرسه معلم پرورشی بود و در همه برنامه‌های فرهنگی حضور پررنگی داشت. رابطه ما به قدری عمیق بود که در جشن عروسی مژگان هم شرکت کردم و بعد هم به منزل‌شان رفتم.»
راوی اثر ادامه داد: «خانم رامهریزی پیش از ازدواج من، منزل‌شان را تغییر دادند و یک کوچه بالاتر از خانه پدری‌ام ساکن شدند. این اتفاق ذوقی در من ایجاد کرد و با این‌که مدرسه‌ام تغییر کرده بود، در راه برگشت، رنگ خانه خانم رامهریزی را می‌زدم و به منزل‌شان می‌رفتم.

از فروپاشی ایمان، فروپاشی زندگی مشترک

«مرا پیداکن» داستان ازدواج مژگان بیتانه، دانشجوی آرام‌روانشناسی، با یک مرد جوان و خوش‌فکر است؛ ازدواجی که در ابتدا بر پایه‌های محکم ایمان، عشق و آرمان‌های مشترک بناشد اما مسیر زندگی آن‌ها، به‌ویژه در پی سفرهای خارجی و مطالعات همسر، دستخوش تغییرات بنیادین می‌شود. لحظه‌ای که ستون‌های زندگی مژگان را در هم می‌شکند، نه فقر است و نه بی‌مهری، بلکه یک بحران عمیق اعتقادی است. همسر او از عقاید و مذهب شیعه فاصله می‌گیرد و یک جمله، حکم پایان عشق و آغاز یک امتحان الهی برای مژگان را دارد: «من دیگر شیعه نیستم.» این کتاب روایتگر تلاش طاقت‌فرسای مژگان است که در برزخ میان عشق به همسر و ایمان‌راسخ به باورش، انتخاب می‌کند. او نه از روی ضعف، بلکه از سراسر ایمان و پایداری، در برابر مردی که از باورهای مشترک برگشته، سکوت می‌کند و در نهایت، پس از جدایی، بزرگ‌ترین نبرد او برای حفظ هویت مادری و حق نگهداری از فرزندش آغاز می‌شود.

زندگینامه ژرف‌نگر

رامهریزی و بیتانه بر این نکته تأکید دارند که این اثر صرفاً خاطره‌نویسی نیست، بلکه یک زندگینامه ژرف‌نگر است. نویسنده با تلاش برای «حلول در روح راوی»، به عمق احساسات، انگیزه‌ها و انتخاب‌های او نفوذ کرده تا روایت، از سطح صرف وقایع فراتر رفته و به تحلیل انسان معاصر بپردازد.

سیستان بلوچستان، با دست خودشان سلاح‌های‌شان را تحویل سپاه دادند و تعدادی از آنان بعداً به عضویت سپاه یا بسیج درآمدند و بعضی هم در دفاع مقدس شهید شدند. امام جمعه اهل سنت نیک‌شهر در مصاحبه‌های متعددی از نقش او در ایجاد آرامش در منطقه و حفظ سیستان و بلوچستان بسیار تمجید کرده است. شهید قلنئیر حتی بعد از انقلاب به افغانستان سفر کرد تا مقاومت آنجا را سامان‌دهی کند.

در نشستی با حضور نویسنده و راوی یکی از بحث‌برانگیزترین کتاب‌های تازه چاپ‌شده را بر شنبی که ماه کامل نش

از همان موقع دختر خانم رامهریزی شدم، با مهاجرت مژگان بیتانه به هند برای ادامه تحصیل در مقطع دکترای روانشناسی، رابطه شاگرد-معلمی چندین‌سال قطع شد و رامهریزی در این باره گفت: «ارتباطی بین‌مان نبود اما خوشحال بودم که مژگان برای پیشرفت وارد مسیر جدیدی از زندگی شده و در حال طی کردن پله‌های ترقی است. تا روزی که در خیابان پیروزی (تهران) به‌صورت اتفاقی با مژگان مواجه شدم؛ ذوق‌زده شدم اما مژگان نمی‌خواست در بدو دیدار مرا با اخبار ناراحت‌کننده غافلگیر کند و در پاسخ به همه سؤال‌ها جز حال‌واحوال، هیچ روایت تلخی ردوبدل ن‌شد.»

جان دوباره به رابطه

ارتباط آنها بعد از این دیدار خیابانی، جان دوباره گرفت و این بار دست سرنوشت آنها

تحلیل روانشناختی

از جذابیت‌های منحصربه‌فرد کتاب، استفاده مژگان بیتانه از آم‌خته‌هایش در رشته روانشناسی برای تحلیل اتفاقات و انتخاب‌های آن‌زمان خود است. او با دیدگاه یک «خانم دکتر» که از فرآیند مشاوره عبور کرده، به عقب بازمی‌گردد و انتخاب‌های دشوار گذشته‌اش را نه صرفاً به شکل احساسی، بلکه از زاویه درک اختلالات شخصیتی و مدیریت بحران تحلیل می‌کند.

جسارت خودافشایی

در فرهنگی که کتمان مشکلات و حفظ آبروی ظاهری رایج است، مژگان بیتانه با صداقتی کمیاب، لایه‌های پنهان زندگی مشترکش را افشا می‌کند. این خودافشایی، که با هدف تربیتی و کمک به زنانی با شرایط مشابه صورت گرفته، به‌گفته نویسنده، یکی از نقاط قوت و جذابیت اصلی اثر است. «مرا پیداکن» نه تنها قصه جدایی و رهاشدگی، بلکه مانیفستی در مورد قدرت تاب‌آوری زنانه و لزوم صداقت در مواجهه با مشکلات است. پیام اصلی این است که می‌توان با «سرنوشت و اتفاقات سخت، سالم زندگی کرد و دوباره قوی‌تر ادامه داد.» این کتاب مخاطب را دعوت می‌کند تا در پس ظاهر زیبای زندگی‌ها (که راوی آن را «بهشتی و ویرینی» می‌خواند)، به حقیقت تلاش و رنجی که زنان برای حفظ ایمان و مادرانگی‌شان می‌کنند، آگاه شود.

تأثیر تسخیر لانه جاسوسی آمریکا بر ادبیات و کتاب‌ها را بررسی کردیم

انقلاب دوم در کتاب‌ها

 تاریخ شفاهی دانشجویان پیرو خط امام	
 کتاب «تسخیر لانه جاسوسی» اثر سید محمد هاشم پوریزدان پرست، یکی از آثار اولین دانشجویان پیرو خط امام، با ۲۶۰ صفحه، پیش‌زمینه‌ها و لحظات تسخیر را روایت می‌کند. معصومه ابتکار در «تسخیر»، ماجراهای ناگفته را به بلوغ فکری می‌رسد، بداند مادرش از سرِ ضعف‌رفته است، بلکه برای حفظ اصالت خود، نبردی سخت و اغلب پنهان را پشت‌سرگذاشته.	
 تسخیر / معصومه ابتکار	
 کتاب «تسخیر» اثر معصومه ابتکار، یکی از اعضای اصلی و سخنگوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (معروف به «خواهر مری») است که به باورگویی خاطرات، ماجراها و وقایع ناگفته تسخیر سفارت آمریکا در تهران می‌پردازد. این اثر اولین روایت مکتوب و تفصیلی از ماجرای ۴۴۴ روزه گروگان‌گیری است که توسط یکی از بازیگران کلیدی آن نوشته‌شده است. ابتکار، که مسئولیت ترجمه و ارتباط با رسانه‌ها و گروگان‌ها را بر عهده داشت، وقایع را از زاویه دید خود و دانشجویان شرح می‌دهد. کتاب با زبانی ساده و روان، بر انگیزه اصلی دانشجویان تأکید می‌کند؛ جلوگیری از تکرار تجربه ۲۸ مرداد و مقابله با نفوذ و توطئه‌های آمریکا علیه انقلاب اسلامی نوپا. این روایت به نوعی،	
 انقلاب دوم (تسخیر لانه جاسوسی	
 کتاب «انقلاب دوم» نوشته احمد رضا شاکر، منتشر شده، یک اثر تحلیلی-تاریخی است	